

متن پرسش

سلام علیکم: در یادداشت علی (ع) و تعیین نبا عظیم تاریخی، فرمودید انسان با نظر به «بودن» اش، حقیقت را در بستر تقدیر تاریخ احساس می‌کند، از آن جهت که «حقیقت» در افق زمان و تاریخ، در شخصیتی متعین فهمیده می‌شود و انسان اصیل در عین آن که یک فرد است، به وسعت هستی است و در عین آن که متناهی است، مطلق است به جهت مقام فهم «وجود و بودن» خویش. این انسان از حیث وجودش سر و کارش از یک طرف با وجود خویش است و از طرف دیگر با تمام عالم وجود سر و کار و رابطه دارد. آیا این مطلب حضرتعالی همان نکته ای است که این چنین در کتاب شرح زیارت آل یس متذکر آن شده اید و نشانگر همان ارتباط با انسان کامل بعنوان اصل انسانیت و تجلی عینی انسان کامل هم چنین لزوم الفت با او را دارد، است: «همه ما انسانیم، اما هیچ کدام انسان کامل نیستیم. پس باید انسانیت ما به انسان کامل یا عین انسان برگردد. بنابراین عین انسان همیشه در عالم هست که ما می‌توانیم از جهت انسانیت از او نور بگیریم و در راستای انسانیت رشد کنیم، و عنایت داشته باشید حقیقت انسان یا انسان کامل، حقیقتی است فوق جسم و مکان و زمان. زن ها و مردها همه انسان اند، ولی قطب جان همه انسان ها امام زمان (عج) است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: کاملاً درست تطبیق فرموده‌اید. در بحث اخیر، نظر به جایگاه انسان کامل در هستی شده است و در آن بحث، نظر به نسبت ما با انسان کامل مطرح است. موفق باشید